

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ نومبر ۲۰۱۹

"غنی احمدزی" و اداره اش، دلکان یک سیرک ننگین پیش نیستند!!

پنجشنبه- ۱۶ عقرب ۱۳۹۸- کابل- به اجازه شما خوانندگان عزیز، یادداشت امروز را خلاف معمول به رو به وخامت گذاشتن مناسبات افغانستان و پاکستان اختصاص داده ام، امید است به خطا نروم:

۱- اگر جریان خبر ها را تعقیب نموده باشید، در جریان ده روز اخیر، خبر هائی که راجع به مناسبات کنسولی بین افغانستان و پاکستان پخش می گردد، در مسیر تقابل دو طرف حرکت می نماید. چنانچه برای بار اول دولت پاکستان به علت بی حرمتی و تهدید های امنیتی اعضای سفارتش، دادن ویزه به اتباع افغانستان را متوقف ساخته از دولت افغانستان خواست تا در زمینه معلومات داده، تشویش مقامات و سفارت پاکستان را برطرف سازد.

۲- تقریباً سه روز بعد از امتناع از دادن ویزه، دولت دست نشانده افغانستان بدون آن که به خواست پاکستان کدام پاسخی داده باشد، اعلام داشت که "آی. اس. آی" سفیر افغانستان در پاکستان را نزد خود احضار و وی را توهین و اهانت نموده است. ادعائی که بعد از ابلاغ سخنگویان رسمی دولت دست نشانده، به نحوی فضاء و جو ضد پاکستانی را در تمام رسانه های دولتی آشکار و پوشیده به اوج آن رسانید.

۳- هرچند وزارت خارجه پاکستان احضار سفیر و یا ژارژدافیر سفارت افغانستان در پاکستان را از جانب "آی. اس. آی" مطلقاً انکار نموده صریحاً ابراز داشت که ژارژدافیر سفارت را غرض اعتراض دولت پاکستان به مناسبت تهدید امنیتی اعضای سفارتش در کابل به وزارت خارجه خواسته و هیچ گونه اهانتی صورت نگرفته، با آنهم رسانه های افغانستان که از فرط بی مضمونی، به جعل خبر نیز می پردازند، به مسیر شان ادامه داده، حتا برخی از آنها اشغال بخش هائی از خاک افغانستان به وسیله پاکستان را نیز به معضله افزوده، تلاش نمودند تا تحریکات را عمیقتر بسازند.

هموطنان گرامی!

تمام این روند که در واقع بعد از اخراج سخنگوی وزارت خارجه به وسیله "غنی احمدزی" و ابقاء وی به وسیله "عبدالله عبدالمود"، حدت یافت و سرانجام به استعفای "صلاح الدین ربانی" و اشغال وزارت خارجه به وسیله

نیروهای خاص "غنی احمدزی" و تصفیۀ آن انجامید، نمی تواند همین طور تصادفی و بدون انگیزه و علت باشد، در اینجا تلاش می نمایم تا دید خود را در زمینه خدمت شما خوانندگان گرامی تقدیم نمایم:

۱- می دانیم بعد از گذشت ها و چاپلوسی های ممتدی که "غنی احمدزی" مقابل مقامات ملکی و نظامی پاکستان از خود نشان داد، وقتی متوجه شد که ماحصل آن گذشت ها و چاپلوسی ها به جای آن که وی را در مرکز دید امریکا و پاکستان قرار دهد، منجر به کنار ماندن دولت دست نشانده و بالا رفتن مقام و اهمیت طالب گردید، "غنی احمدزی" سخت تلاش دارد تا به بهانه "رهبری دولت در جریان مذاکرات صلح" از چپ و راست، دولت پاکستان را تخریب نماید، لذا یکی از علل کش گرفتن با پاکستان می تواند سنگ اندازی جدیدی از جانب خودش سر راه آغاز مجدد مذاکرات صلح به وسیله "خلیلزاد" و میانجیگری پاکستان باشد.

۲- علت دوم، می تواند نقش مخرب و تفرقه افکنانه "موساد" در ادارات افغانستان باشد. این را می دانیم که "عمران خان" مطمئناً به اجازه امریکا و مشوره چین، از مدتی بدین سو تلاش می ورزد تا به مثابه میانجی وارد میدان شده، از تشدید خصومت بین ایران و عربستان نه تنها جلوگیری نماید، بلکه راه تفاهم و نزدیکی آنها را نیز فراهم سازد. این را هم می دانیم که دولت اسرائیل و سازمان استخبارات آن کشور یعنی "موساد" در منطقه یکی از نیروهای بیست که به هیچ وجه نمی خواهد این مناسبات رو به بهبودی بگذارد زیرا هر نوع بهبود روابط بین ایران و عربستان، به معنای از بین رفتن یک کانون بحران درونی جهان اسلام شناخته شده، کشوری که در کنار فابریکات فروش اسلحه از آن بابت متضرر می گردد، دولت اسرائیل می باشد.

۳- این را هم می دانیم که "غنی احمدزی" از طریق روابط خانوادگی اش، مناسبات نزدیکی با اسرائیل داشته حتماً اگر خانمش و خودش عضو "موساد" و یا در خدمت "موساد" قرار داشته باشند، دور از امکان نیست. با تمام اینها و بادر نظر داشت این که عوامل اسرائیل در درون پاکستان هم تلاش دارند، تا عمران خان را به زانو در آورند، می توان حدس زد که موج نفرت پراگنی علیه دولت پاکستان و استفاده سوء از نفرت بحق مردم ما علیه دولت پاکستان و "آی. اس. آی." بازی جدیدی است که از جانب "موساد" و کمپنی های فروش اسلحه آغاز و "غنی احمدزی" و اداره اش، دلچکانی اند که در ایران سیرک ننگین ایفای وظیفه می نمایند.

دیده شود چه می شود!!